



اثر است و حرف اول و آخر را او می‌زند.

○ در انتخاب پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی، نام و اعتبار کارگردان تا چه اندازه برای شما اهمیت دارد؟ آیا این موضوع در پذیرش پیشنهادهای کاری اولویت دارد؟

مهم‌ترین ملاک برای من فیلمنامه است و پس از آن، نام و اعتبار کارگردان اهمیت پیدا می‌کند. البته پیش آمده پیشنهاد کاری را به خاطر کارگردانش رد کردم.

○ آیا می‌توانید نام فیلمی را که پیشنهاد حضور در آن را نپذیرفتید، عنوان کنید؟ اکنون و با گذشت زمان، از رد کردن آن پیشنهاد پشیمان نیستید؟

ترجیح می‌دهم نامی از آن فیلم نبرم. نه‌تنها از نپذیرفتن آن پیشنهاد پشیمان نیستم، بلکه از تصمیمی که گرفتم خوشحالم.

○ کار با کدام بازیگران از نظر چهره‌پردازی دشوارتر است؟ آیا بازیگری وجود دارد که به دلیل ویژگی‌های چهره یا حساسیت‌هایش در زمینه گریم، همکاری با او چالش‌برانگیز باشد؟

با بسیاری از اساتید بازیگری، از جمله استاد علی نصیریان، همکاری داشته‌ام و این تجربه‌ها واقعاً برایم لذت‌بخش بوده است. استاد نصیریان، علاوه بر تبحر و توانایی در بازیگری، انسان وارسته‌ای هستند و در زمینه گریم نیز تعامل بسیار خوبی دارند. تاکنون در بحث گریم با هیچ‌یک از بازیگران به چالش جدی نرسیده‌ام و معتقدم همه آن‌ها در این زمینه قابل تعامل هستند. البته برخی بازیگران درباره گریم نظرات و دیدگاه‌هایی دارند که باید به آن‌ها توجه کرد. نکته مهم این است که اگر چهره‌پرداز کارش را به‌درستی انجام دهد، کسی نمی‌تواند ایراد جدی به نتیجه کار بگیرد.

○ اگر بازیگر شناخته‌شده‌ای به هیچ عنوان نپذیرد که متناسب با اقتضائات فیلمنامه تغییری در چهره یا ظاهرش ایجاد شود، چگونه با این مقاومت برخورد می‌کنید؟

به نظرم یک چهره‌پرداز خوب باید روان‌شناسی بداند و با صبوری و حوصله بتواند بازیگر را به‌تدریج با خواسته‌های گریم همراه کند. برای مثال، در فیلمی که مصطفی زمانی بازیگر آن بود، او آرایشگر مخصوص خودش را به گروه آورده بود و تأکید داشت که اصلاح موهایش حتماً باید توسط همان آرایشگر انجام شود. من هم در ابتدا مخالفتی نکردم و گفتم اشکالی ندارد. اما به‌تدریج و با ایجاد فضای صمیمانه و شوخی و گفت‌وگو، توانستم خودم اصلاح موهایش را انجام دهم و در نهایت، آنچه را که از نظر چهره‌پردازی مدنظر داشتم، روی چهره او پیاده کردم. البته خیلی از بازیگران دیگر مثل محمدرضا گلزار هم آرایشگر خصوصی دارند.

○ تجربه همکاری با شهاب حسینی در فیلم «سوپراستار» چگونه بود؟

بسیار عالی بود.

○ گاهی به نظر می‌رسد برخی بازیگران، مانند هدیه تهرانی، در زندگی روزمره چهره‌ای معمولی دارند، اما در قاب دوربین جذاب‌تر و تأثیرگذارتر دیده می‌شوند. آیا این تفاوت می‌تواند به نوع چهره‌پردازی و انتخاب گریم مناسب مربوط باشد؟

من با این نظر موافق نیستم. شاید در برخی موارد، گریم مناسبی متناسب با ویژگی‌های چهره بازیگر انتخاب نشده باشد.

○ طراحی چهره‌پردازی برای کدام بازیگر یا در کدام یک از پروژه‌هایتان بیش از همه برای شما جذابیت داشت و تجربه متفاوتی رقم زد؟

تجربه‌های جذاب زیادی داشته‌ام، اما چهره‌پردازی تمام بازیگران فیلم «ماجرای نیمروز» را بسیار دوست دارم. کار در این پروژه برایم فوق‌العاده جذاب بود.

○ در چهره‌پردازی فیلم‌هایی با موضوعات تاریخی، چه میزان تلاش می‌کنید ظاهر بازیگران به شخصیت‌های واقعی نزدیک باشد؟

در «ماجرای نیمروز» سعی کردم چهره بازیگران با نقش‌های تاریخی‌ای که بازی می‌کنند، تطابق زیادی داشته باشد. گریم این نوع فیلم‌ها هم بسیار دشوار است.

○ در انتخاب بازیگران برای نقش‌های تاریخی، نظر و پیشنهاد طراح چهره‌پردازی تا چه اندازه می‌تواند به کارگردان کمک کند؟

در این نوع فیلم‌ها، نظر طراح چهره‌پردازی بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

○ آیا همه کارگردان‌ها به این مسئله اعتقاد دارند؟

حرفه‌ای و درستش اینگونه باید باشد.

○ آیا انتخاب جواد عزتی برای ایفای یکی از نقش‌های فیلم «ماجرای نیمروز» با پیشنهاد شما به‌عنوان طراح چهره‌پردازی صورت گرفت؟

خیر، چون قرار نبود برای این نقش شبیه‌سازی تاریخی انجام شود، درباره انتخاب بازیگر آن نظر قطعی نداشتم. نظر طراح چهره‌پردازی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که قرار باشد چهره بازیگر به یک شخصیت تاریخی واقعی نزدیک و شبیه‌سازی شود.

○ کدام‌یک از بازیگرانی که گریمشان را بر عهده داشتید، از نظر چهره و شباهت ظاهری بیشترین نزدیکی را به شخصیت تاریخی موردنظر پیدا کرد؟

در سریال «راز ناتمام» که به زندگی شهید باهنر می‌پرداخت، گریم فرهاد جم در نقش شهید باهنر شباهت زیادی به چهره واقعی ایشان داشت. همچنین گریم علیرضا مهران برای ایفای نقش آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، از نظر ظاهری بسیار به چهره ایشان نزدیک شده بود. البته در این میان، تهیه‌کننده سریال حتی دستمزد ما را هم پرداخت نکرد!

○ چه فرم چهره‌ای برای طراحی و اجرای گریم مناسب‌تر است؟

معمولاً چهره‌های بیضی‌شکل برای طراحی گریم انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و بهتر جواب می‌دهند؛ اما نمی‌توان در این زمینه حکم قطعی داد. میزان موفقیت گریم به ویژگی‌های چهره بازیگر، شرایط نقش و شخصیتی که قرار است بازآفرینی شود بستگی دارد.

○ آیا گریم بازیگرانی با پوست تیره، مانند سیروس کهوری، دشوارتر از سایر بازیگران است؟

خیر، تفاوت چندانی ندارد و می‌توان با استفاده از فون و تنظیم رنگ، پوست را به رنگ موردنظر نزدیک کرد. البته پوستی که صاف و شفاف باشد، برای طراحی و اجرای گریم مناسب‌تر است.

○ آیا برای طراحی و اجرای گریم با فیلمبردار و نورپرداز نیز هماهنگی می‌کنید؟

بله، این هماهنگی ضروری است؛ چراکه سینما هنری گروهی است و گریم را نمی‌توان جدا از سایر عناصر بصری فیلم در نظر گرفت. حتی طراحی لباس نیز در نتیجه نهایی گریم تأثیرگذار است. بارها پیش آمده که به طراح لباس پیشنهاد داده‌ام برای یک بازیگر، رنگ خاصی از روسری یا کت انتخاب کند تا با گریم و فضای تصویری اثر هماهنگی بیشتری داشته باشد.

○ آیا با دیگر بخش‌های تولید فیلم، از جمله طراح هنری و مدیر فیلمبرداری، تعامل و همکاری نزدیکی دارید؟

اهل تعامل و همکاری با بخش‌های مختلف تولید هستم و طبیعتاً این ارتباط در کیفیت کار تأثیرگذار است. البته با مدیران فیلمبرداری مانند علیرضا برازنده و علیرضا زرین‌دست راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنم. زرین‌دست اگر بداند کارتان را بلد هستید، رابطه خوبی با شما برقرار می‌کند؛ اما اگر در کارتان تسلط نداشته باشید، ممکن است با چالش مواجه شوید. در فیلم «آتش‌بس» که با ایشان همکاری داشتم، طراحی ریش محمدرضا گلزار باعث شد ارتباط دوستانه‌ای میان ما شکل بگیرد.

○ آیا همکاری در فیلم‌هایی با حضور سوپراستارها برای شما به‌عنوان طراح گریم جذابیت بیشتری دارد؟

برای من تفاوتی ندارد که در یک فیلم سوپراستار حضور داشته باشد یا بازیگران کمترشناخته‌شده؛ گریمور در هر شرایطی باید وظیفه‌اش را به بهترین شکل انجام دهد. حتی برای هنروری که فقط یک دقیقه مقابل دوربین حضور دارد، به همان اندازه یک بازیگر شناخته‌شده وقت و دقت صرف می‌کنم.

○ تعداد دستیاران گریم را بر چه اساسی و متناسب با چه معیارهایی انتخاب می‌کنید؟

تعداد دستیاران به فیلمنامه و شمار شخصیت‌های فیلم بستگی دارد. با این حال، روال معمول من استفاده از سه دستیار است و در بیشتر پروژه‌ها همین تعداد را در گروه گریم در نظر می‌گیرم.

○ در پروژه‌های تاریخی و پرشخصیت، آیا کار با دو یا سه دستیار گریم به‌خوبی پیش می‌رود؟

طبیعتاً در چنین پروژه‌هایی به تعداد بیشتری نیرو نیاز است. تعداد اعضای گروه گریم را متناسب با حجم کار و شمار شخصیت‌ها افزایش می‌دهم و بر اساس نیاز پروژه، گریمورهای بیشتری در دو بخش آقایان و خانم‌ها با من همکاری می‌کنند.

○ برخی گریمورهای باسابقه معتقدند در سال‌های اخیر پیشنهادهای کاری کمتری دریافت می‌کنند و تهیه‌کنندگان بیشتر به سراغ گریمورهای جوان می‌روند. ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

برخی تهیه‌کنندگان بدون توجه کافی به کیفیت کار، ترجیح می‌دهند با گریموری قرارداد ببندند که دستمزد کمتری دریافت می‌کند و البته من هم خرده‌ای به این انتخاب نمی‌گیرم. معمولاً پایین‌تر بودن دستمزد دو دلیل دارد؛ نخست اینکه گریمور هنوز مهارت و تجربه کافی برای انجام درست کار را ندارد و دوم اینکه در ابتدای مسیر حرفه‌ای خود قرار دارد و برای کسب تجربه و حضور در پروژه‌ها، حاضر است با دستمزد کمتری کار کند.

○ آیا تاکنون با وجود پایین بودن دستمزد پیشنهادی، همکاری در پروژه‌ای را پذیرفته‌اید؟

بله، این موضوع به شرایط پروژه بستگی دارد. پیش آمده که از یک پیشنهاد کاری و ویژگی‌های آن خوشم آمده و به همین دلیل برای همکاری، در میزان دستمزدم تخفیف داده‌ام.

○ بیشتر در چه نوع پروژه‌هایی پیش می‌آید که از دستمزد خود صرف‌نظر کنید یا تخفیف بدهید؟

بیشتر در فیلم‌های کوتاه چنین اتفاقی می‌افتد؛ چون این آثار معمولاً با بودجه محدودی تولید می‌شوند. اگر با کار خوبی مواجه شوم، گاهی از دریافت دستمزد صرف‌نظر می‌کنم و اگر هم مبلغی دریافت کنم، آن را به دستیارانم می‌دهم.

○ نوسان قیمت‌ها، به‌ویژه افزایش بهای مواد اولیه گریم، چه تأثیری بر روند کاری و هزینه‌های شما داشته است؟

این مسئله واقعاً آزاردهنده است. برای مثال، قیمت یک پالت گریم حدود هفت برابر شده و این افزایش هزینه‌ها، مدیریت مخارج گریم و پرداخت دستمزد دستیاران را بسیار دشوار کرده است.

○ آیا دستمزد گریمورها نیز متناسب با افزایش قیمت مواد و تجهیزات گریم افزایش پیدا کرده است؟

اصلاً میزان افزایش دستمزدها با رشد قیمت مواد و تجهیزات گریم قابل مقایسه نیست. دستمزدها حدود یک‌ونیم برابر افزایش پیدا کرده‌اند، درحالی‌که قیمت مواد اولیه چندین برابر شده است و این اختلاف، فشار زیادی به گریمورها وارد می‌کند.

○ بیشترین دستمزد را در کدام حوزه فعالیت حرفه‌ای خود دریافت کرده‌اید؟

بیشترین دستمزدی که دریافت کرده‌ام، مربوط به طراحی گریم یک مجموعه برای سکوی نمایش خانگی بوده است.

○ آیا معمولاً دستمزد طراحی و اجرای گریم در مجموعه‌های سکوی نمایش خانگی از سینما و تلویزیون بیشتر است؟

بله، معمولاً مجموعه‌های سکوی نمایش خانگی دستمزد بیشتری نسبت به پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی پرداخت می‌کنند.

○ آیا در مجموعه‌های سکوی نمایش خانگی، به‌ویژه در طراحی گریم بازیگران زن، آزادی عمل بیشتری نسبت به سینما و تلویزیون دارید؟

بله، چنین امکانی وجود دارد. در مجموعه‌های نمایش خانگی با محدودیت‌های کمتری مواجه هستیم و به همین دلیل، به‌ویژه در طراحی گریم بازیگران زن، آزادی عمل بیشتری داریم.

○ در فیلم‌هایی مانند «همه‌چیز برای فروش» که صحنه‌های درگیری و زدوخورد زیادی دارند، چگونه تداوم گریم بازیگران را حفظ می‌کنید؟

اتفاقاً یکی از دلایلی که کارشناسان ارزش کار گریمور را در چنین فیلم‌هایی بهتر درک می‌کنند، همین دشواری‌های حفظ تداوم گریم است. در این نوع پروژه‌ها، در پایان هر سکانس از چهره بازیگر عکس می‌گیرم تا جزئیات گریم ثبت شود و صبح روز بعد بتوانم با استناد به همان تصاویر، گریم را دقیقاً مطابق وضعیت چهره بازیگر در سکانس قبلی بازسازی کنم.

○ فیلم «کلاشینکف» نیز یکی از آثار شاخص کارنامه شما در زمینه طراحی گریم است. از تجربه همکاری در این فیلم بگویید.

کار در این فیلم برایم دشوار بود، اما چون از نخستین تجربه‌های مستقل من به شمار می‌رفت، انرژی و انگیزه زیادی داشتم تا کار را به‌درستی پیش ببرم. بازیگرانی مانند رضا عطاران، اندیشه فولادوند و جواد عزتی در این فیلم حضور داشتند. خاستگاه اجتماعی شخصیت‌های داستان، طبقه فرودست جامعه بود و به همین دلیل تلاش کردم طراحی گریم و ظاهر بازیگران، متناسب با موقعیت اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی آنها باشد.

○ در فیلم «من دیه گو مارادونا هستم» با مجموعه‌ای پرشخصیت و گریم‌های رئالیستی و متفاوت روبه‌رو بودیم. تجربه همکاری در این فیلم چگونه شکل گرفت؟

این فیلم بازیگران شاخص و شخصیت‌های متعددی داشت. پیش از حضور من، گریمور دیگری در مرحله پیش‌تولید با فیلم قرارداد بسته و تست‌های گریم را انجام داده بود، اما نتیجه کار مطابق نظر بهرام توکلی، کارگردان فیلم، نبود. به همین دلیل از من برای همکاری دعوت شد و توانستم در مدت سه روز، تست‌های گریمی را که انجام آن حدود ۴۰ روز زمان می‌برد، به پایان برسانم.

البته برای این کار به طراح گریم قبلی زنگ زدم و اجازه گرفتم.

○ همکاری با بازیگران دقیق و کمال‌گرایی مانند گلاب آدینه در فیلمی پرشخصیت چه ویژگی‌ها و دشواری‌هایی دارد؟

خانم گلاب آدینه بازیگری بسیار دقیق و سخت‌گیر هستند. روز تست گریم به من گفتند که به دلیل عمل چشم، نباید هیچ‌گونه گریمی در اطراف چشم‌هایشان انجام شود. من هم پذیرفتم و با استفاده از چوب گردوی سوخته، به‌صورت طبیعی برای ایشان خط چشم کشیدم! (با خنده) از آن پس، در هر فیلمی که ایشان حضور داشتند، درخواست می‌کردند من هم به‌عنوان گریمور با گروه همکاری کنم.

